

گذر

فرار مالیاتی ۵۰۰ پرونده پزشکان ۳۰ میلیارد تومان است

● رئیس امور مالیاتی شهر و استان تهران خبر داد: اطلاعات درآمدی پزشکان از طریق سامانه‌های اطلاعاتی نظام مالیاتی ازجمله حساب‌های بانکی آنان در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دارد. به نقل از سازمان امور مالیاتی، محمدرضا توری درباره میزان مالیات پزشکان در تهران، گفت: از میان حدود ۲۰ هزار پرونده پزشکان در تهران، فقط ۱۱ هزار نفر برای عملکرد سال ۱۳۹۶ اظهارنامه ارائه دادند که میانگین مالیات اعلامی از سوی پزشکان برای هر نفر پنج‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بود. او با بیان اینکه ۵۰۰ پرونده پزشکان که با درآمد بالا مورد حسابرسی خاص و مبتنی بر اطلاعات سامانه‌های طرح جامع مالیاتی سازمان امور مالیاتی واقع شدند، افزود: میانگین مالیات اعلام‌شده از سوی پزشکان با درآمد بالا حدود ۱۷ میلیون تومان برای هر نفر بود؛ درحالی‌که مالیات واقعی آنها بالغ بر ۷۶ میلیون تومان تعیین و تشخیص داده شده است.

ادامه از صفحه اول

رژیم حقوقی خرز و هیاهوری رسانه‌ای

شرایط پس از فروپاشی شوروی و ناهماهنگی در بهره‌برداری از منابع دریای خزر توسط کشورهای تازه‌استقلال‌یافته و حضور شرکت‌های بین‌المللی در دریای خزر برای فعالیت‌های اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشت که به این کشورها هشدار دهد که هر نوع فعالیت و اکتشاف در این دریا بدون درنظرگرفتن رژیم حقوقی پیشین (معاهده موتد بین ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ و قرارداد کشتی‌رانی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۰) نمی‌تواند وجهه قانونی داشته باشد. از آن زمان مسئله تجدیدنظر در قراردادهای پیشین مطرح شده است. در این زمان موضع جمهوری اسلامی ایران حرکت در چارچوب قراردادهای پیشین و در غیر این صورت تدوین و تصویب رژیم حقوقی جدید مورد قبول همه کشورهای ساحلی این دریا بوده است. پس از گذشت مدتی هر پنج کشور موافقت کردند که در زمینه تدوین رژیم حقوقی جدید مبتنی بر لحاظ شرایط جدید گرد هم آیند و مذاکرات را آغاز کنند. به سبب نبود تجربه دولت‌داری در سه کشور تازه‌استقلال‌یافته، ترکمنستان و قزاقستان در شرق دریای خزر و جمهوری آذربایجان در غرب دریای خزر، این روند طولانی شد و برخی موارد به مناقشه تبدیل شد و این روند ادامه یافت. در این شرایط ایران اعلام کرد که اگر اختلافات به یک موافقت کلی و اجماع نرسد، ایران ۲۰ درصد از دریای خزر در محدوده آب‌های خود را حق قانونی خود می‌داند؛ زیرا پنج کشور ساحلی هست و هرکدام یک‌پنجم از دریا را سهم خواهند برد. در این شرایط تعدادی از محافل و اشخاص در ایران نیز ادعا کرده‌اند که چون در دوره روسیه تزاری و اتحاد شوروی، این دریا را دریایی بین ایران و شوروی (بعدها روسیه) تعریف کرده و در معاهده ترکمنچای (۱۸۲۸) و معاهده موتد بین ایران و روسیه (شوروی) (۱۹۲۱) و قرارداد کشتی‌رانی بین ایران و اتحاد جماهیر شوری (۱۹۴۰) بر استفاده بالنسبه تأکید داشته‌ است، بنابراین سهم ایران ۵۰ درصد از سطح و زیر سطح دریا خواهد بود. به پاسخ به این مدعیان کاست به آنها یادآوری شده که در هیچ‌یک از اسناد یادشده سهمی برای طرفین مشخص و معین نشده است، باید از این مدعیان «سهم برابر» خواسته‌ شود نقشه ایران و پیرامون دریای خزر را پیش‌روی خود قرار دهند و دریای خزر را به دو قسمت تقسیم کنند و سهم مورد ادعا ۵۰ درصد را برتسیم کنند. در آن صورت جمهوری ترکمنستان در شرق و جمهوری آذربایجان در غرب امکان دسترسی به آب دریای خزر را نخواهند داشت؛ درحالی‌که هر کدام ساحلی طولانی دارند. نقشه نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد سطح دریای خزر در بالای مرزهای ایران و خارج از قلمرو ایران قرار می‌گیرد. نه در دوره روسیه تزاری و نه در دوره شوروی و نه در دوره کنونی، مرز مرزهای بین ایران و همسایه شمالی آن، ۱۸۲۸، ۱۸۸۱ به بعد تغییراتی حاصل نشده است، بنابراین نقطه مرزی ایران در جنوب‌غرب دریا از شمال به استارا و در غرب در جنوب‌شرقی دریای خزر در نقطه حسنتلی غوبه است. بنابراین این در دوره شوروی خط موهومی به نام خط استارا-حسنتلی ترسیم شده بود. در این زمینه برای کشتی‌رانی و کنترل هوایی ناگزیر به کشیدن خط مستقیم بوده‌اند؛ حال آنکه مرز واقعی متفاوت بوده و شکل ساحل ایران. در دوره شوروی این خط را خط محدودیت پرواز نام نهاده بودند. زیرا دولت شوروی این خط را مرز هوایی ایران و شوروی می‌شناخت. البته ایران هیچ‌گاه این خط را به رسمیت نمی‌شناخته است. اکنون باید براساس حقوق بین‌الملل دریاها و روبه‌های تقسیم آب‌ها در پهنه‌های آبی، این خط مرزی بین ایران و کشورهای ساحلی دریای خزر ترسیم و دریا تقسیم شود. این فرایند پیچیده برای تعیین خط مبدأ یعنی آغاز تعیین مرز دریایی و تحدید حدود، مناقشه‌برانگیز و اختلاف‌آفرین بوده و نیاز به مباحثات طولانی‌تری برای اجماع داشته است که در کنوانسیون ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ در آکتابو لحاظ نشده و به امضا نرسیده و به آینده و پس از رسیدن به اجماع کلی موکول شده است. آفتاب آمد دلیل آفتاب. حالا مدعیانی که می‌گویند ایران دریای خزر را به همسایه شمالی بخشیده یا نتوانسته از قلمرو قانونی کشور صیانت کند، بر پایه کدام اسناد حقوقی این رای را صادر کرده‌اند؟ آنها که اذهان عمومی را مشوب کرده‌اند، باید پاسخ‌گوی سخنان بی‌اساس و تهمت‌های ناروای خود به پیشگاه ملت ایران باشند.

اقتصاد

در نشست یک‌روزه «سازگاری باکم‌آبی» محدودیت‌ها و تنش‌های آبی مطرح شد

پروژه‌های پرتنش انتقال آب دست ۳ پیمانکار

سازگاری با خشک‌سالی در حد شعار باقی مانده است



حسام‌الدین آشنا، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، در ابتدای نشست روز گذشته گفت: از یک دهه قبل، موضوع آب در محافل تخصصی به کانونی برای مباحث داغ تبدیل شد. از ابتدای دهه ۹۰ این مبحث به عرصه عمومی کشیده شد. او به حساسیت‌های زی‌باد ایجادشده در میان طرف‌داران محیط زیست و سیاست‌مداران در زمینه آب اشاره کرد و اقدامات این مرکز در زمینه ایجاد فضا برای گفت‌وگو درباره آب را برشمرد. به گفته آشنا، در حاشیه اکران مستند «مادرکنشی»، مباحثی جدی درباره آب شکل گرفت و فضای مناسبی برای بیان دغدغه‌های عمومی در این حوزه ایجاد شد. او بیان کرد: آن روزها که گفتمان خود را از مدیریت عرضه تغییر دادیم، امید به همراهی وزارت نیرو نداشتیم، اما امروز شرایط به‌گونه دیگری است. سازگاری با کم‌آبی نیازمند بازنگری اساسی در نظام زندگی ایران است که به‌سبب چندین دهه وابستگی زیاد به آب و انرژی ارزان، طر‌ف‌دار مدیریت مصرف و اصلاح بدمصرفی است؛ اما از آنجا که بدنه این وزارتخانه با سیاست وزیر همراه نیست، هیچ‌گاه کام دوم که مربوط به اجرای قوانین است، در ایران بر داشته نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد سازگاری با خشک‌سالی بیشتر در حد مصوبه‌های روی کاغذ یا شعار یک وزیر باقی مانده است. نشست روز گذشته باز هم تبدیل به فرصتی شد تا دولتی‌ها به تشریح عملکردشان بپردازند. و تئوری‌های مختلفی درباره مدیریت منابع آب ارائه کنند؛ اما اگر این تئوری‌ها کارساز بود، حال‌ورز منابع آب ایران مشابه امروز نبود. شاید جان کلام نشست دیروز از زبان کلیسایی، نماینده تشکل مردمی نیشابور، مطرح شد. او از اجرائشدن قوانین و کارشنکی‌های میدان مانی در وزارت نیرو برای اجرای تصمیمات در بخش آب کشور گل‌مند بود. کلیسایی گفت: در گذشته ما خود را با آب تطبیق می‌دادیم و حکمران آب بود؛ اما امروز مدیران اجرایی تبدیل به حکمران شده‌اند و این مسئله مشکل‌ساز است.

سیاست‌گذاران دنبال مقابله با خشک‌سالی

حجت میان‌آبادی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌مدرس، نیز با بیان اینکه سیاست‌گذاری سازگاری یک پروسه است که دو مرحله طراحی و اجرا دارد، عنوان کرد: ما درگیر مرحله طراحی هستیم، ولی مرحله اجرا کمتر از طراحی نیست. او افزود: سیل و خشک‌سالی دو پدیده طبیعی‌اند و ما نمی‌توانیم با پدیده‌های طبیعی مقابله کنیم. خشک‌سالی پدیده‌ای طبیعی است؛ اما به دلیل درک نادرست از مسئله خشک‌سالی، سال‌ها ستاد مقابله با این بحران را در ایران داشتیم. به گفته میان‌آبادی، کم‌آبی بحران نیست؛ چیزی که کم‌آبی را تبدیل به بحران می‌کند، سوءمدیریت یا حاکمیت بد است. او ادامه داد: ما اگر کم‌آبی را به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی در نظر بگیریم، باید رویکردهای مدیریت سازگاری را در پیش بگیریم؛ اما اگر کم‌آبی را به‌عنوان بحران در نظر بگیریم، یقیناً باید مدیریت بحران را در دستور کار قرار دهیم؛ یعنی با تغییر تعریف یک مفهوم، به دو مسئله و دو رویکرد کاملاً مجزا می‌رسیم. این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت‌مدرس گفت: در حوزه آب، عملاً با سیاست‌های گذشته مردم امروز را مدیریت می‌کنیم و کسی به این مسئله توجهی نمی‌کند. جامع‌ترین قانون ما در زمینه آب، قانون توزیع عادلانه آب مصوب سال ۶۱ است که شالوده این قانون نیز مربوط به دهه ۴۰ است. به گفته او، در سیاست‌گذاری برای سازگاری با خشک‌سالی یک مشکل جدی داریم. اولین قدم در طراحی سیاست‌های سازگاری، این است که باید بدانیم مشکل چیست. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات آب در دنیا این است که می‌خواهیم مشکل آب را حل کنیم؛ اما نمی‌دانیم مشکل چیست. او ادامه داد: در سیاست‌گذاری برای سازگاری با خشک‌سالی، مهم‌تر از طراحی، مرحله اجراست. به دلیل غفلت از فاز دوم، قریب به اتفاق سیاست‌گذاری‌های کشور محکوم به شکست بوده است؛ زیرا فقط در بُعد طراحی سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. تنها کاری که کردیم قوانین را مصوب و سپس برای اجرا بخش‌نامه کردیم. به باور میان‌آبادی، ما نتوانسته‌ایم سیاست‌ها را به زبان مردم تبدیل کرده و به مرحله اجرا بگذاریم. به همین دلیل سیاست‌های ما محکوم به شکست است. از حوادث به جای یک کشور کم‌آب، در منطقه‌ای پرآب بودیم هم دچار مشکل می‌شدیم. در اقتصاد و سیاست بحث نفرین منابع وجود دارد. شاهد مثال این موضوع منابع سرشار نفت و گاز ایران است که امروز به بلای اقتصاد تبدیل شده است و کمتر اقتصاددانی است که نفت و گاز را بلای جان اقتصاد ایران نداند. این عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس تأکید کرد: از آنجا که سیاست‌گذاری کلان کشور دنبال مقابله با کم‌آبی است، نه سازگاری با آن، بنابراین در پی شیرین‌سازی آب دریا و… است که حتی از نظر تئوری هم اقدامات کاملاً محکوم به شکست است.

افزایش چندصدهزارنفری جمعیت حاشیه‌نشین شهر شرار در چند سال اخیر را ناشی از کاهش چشمگیر منابع آب اعلام کرد. به گفته اکبری اصل پاسخ‌گویی در بحث آب مخدوش است و نمی‌دانیم کدام دستگاه در مباحث مربوط به آب باید پاسخ‌گو باشد. هنوز نمی‌دانیم سرانجام آمایش سرزمین چه شد؟ ما در مقطعی مدیری را تشویق کردیم که بیشترین مجوز صدور حفر چاه را داده است. به دفعات مطرح شده است که قانون توزیع عادلانه آب باید اصلاح شود اما نمی‌دانم چرا اصلاحیه این قانون را به مجلس نمی‌آورند. او ادامه داد: سیاست‌های متناسب با طرح تعادل بخشی طراحی نشده است. نگاه به آب، یک نگاه یکپارچه آمایشی نبود و از بالا به پایین بود.

زمین‌خواری با توسعه باغات روی اراضی شیب‌دار
رئیس کمیته آب کمیسیون کشاورزی مجلس اختصاص ۵۰۰ هزار هکتار اراضی شیب‌دار به توسعه باغات را نوعی مشروعیت‌دادن به زمین‌خواری دانست. او تأکید کرد: حوزه آب به‌قدری مسئولیتش مخدوش شده است که نتاینهاو هم برای ما راهکار ارائه می‌کند. تنش‌های آب از شهر و استان فراتر رفته است، به‌همین‌دلیل در برنامه ششم منوعیت انتقال آب بین استان‌ها را مصوب کردیم. اکبری وجود مشکل در نظارت را یکی از مهم‌ترین معضلات بحث حکمرانی دانست و افزود: با بگیروبیند راه به جایی نمی‌بریم. به گفته او مدیریت هر تکه از آب را به یک دستگاه سپرد و از تشدید تقابل دستگاه‌ها در امور مربوط به آنها اجتناب کرد، اما این به معنای ادغام دستگاه‌ها نیست؛ بلکه رویکرد به‌هم‌پیوسته ایجاد می‌کند که به مدیریت عرضه و تقاضا توجه کنیم. به گفته اردکانیان، برای سازگاری با کم‌آبی باید شیوه‌های خود را تغییر دهیم. سازگاری با کم‌آبی این است که بپذیریم کم‌آبی همراه تمدن ایرانی است و باید توهم پرابی را کنار بگذاریم. اما با وجود کم‌آبی می‌توانیم توسعه پایدار هم داشته باشیم. او اضافه کرد: مدیریت مصرف و تقاضای منابع موجود، برای ما اولویت دارد. ما زمانی موفق می‌شویم که مسئله مدیریت منابع زیستی را بین سازمان‌های مختلف تقسیم نکنیم و از سوی دیگر، بدون هماهنگی بین‌سازمانی و هدف مشترک پایدارسازی منابع، عمل نکنیم. وزیر نیرو گفت: کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی اسفند سال گذشته آغاز به کار کرد. من و همکارانم مجدانه تلاش می‌کنیم که این کارگروه موفق شود، اما فرایند سازگاری با کم‌آبی بسیار کند است. فرایندهای حاکمیتی، سیاسی، عوامل مؤثر بر اقتصاد سیاسی،

تغییر فرایندها و غیره باید شکل بگیرند تا برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی به اهدافش برسد. او سازگاری با کم‌آبی را نیازمند چهار اقدام کلان شامل آمایش آب‌محور، اصلاح تعرفه‌گذاری آب، اصلاح نظام داده‌های پایه آب و برنامه‌ریزی در چارچوب حوضه آبریز دانست. اردکانیان خاطرنشان کرد: تصور نکنیم محدودیت آب محدودیت توسعه است، بلکه محدودیت آب مشوق خرد جدیدی برای توسعه است پس باید محدودیت به فرصت تبدیل شود اما برخی فکر می‌کنند محدودیت آب را باید از بین برد و به فراوانی آب دست پیدا کرد. این مسئله می‌تواند به قیمت نابودی سرزمین تمام شود. بنفشه زهرایی، دبیر کارگروه سازگاری با خشک‌سالی، نیز مباحثی درباره وضعیت آبخوان تهران ارائه کرد اما در انتهای جلسه از خبرنگار «شرق» خواست که این اطلاعات منتشر نشود. این در حالی است که وزارت نیرو اگر قصد دارد برنامه‌های مدیریتی مصرف را اجرا کند بیش از هر چیز باید اطلاعات شفاف به جامعه ارائه کند و از مردم کمک بگیرد. مخفی‌کردن وضعیت وخیم منابع آب کشور از مردم، بدون شک هیچ کمکی به مدیریت منابع آب کشور نخواهد کرد.

کشته‌شدن یک نفر در جریان تخریب چاه غیرمجاز
علی اکبری، رئیس کمیته آب کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، در ادامه به بررسی وضعیت بخش کشاورزی به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب پرداخت و عنوان کرد: بستن چاه‌های غیرمجاز به‌شدت از نظر اقتصادی و اجتماعی پرهزینه است سه تا چهار هفت‌ه‌ه‌ه قبل در کارزون در جریان مسدودکردن یک چاه غیرمجاز، صاحب چاه خود را به درون آن انداخت و کشته شد. به گفته او، صنایع بزرگ، کشت و صنعت‌ها و غیره با وجود توسعه بیشتر، وضعیت مطلوب‌تری پیدا نکردند و بهره‌وری در این واحدها اصلاح نشد. رئیس کمیته آب کمیسیون کشاورزی مجلس واگذاری اراضی بیشتر به مردم و توسعه سطح زیر کشت را عاملی برای مصرف بیشتر آب معرفی کرد و افزود: بخش عمده اراضی‌ای که در آنها کشاورزی توسعه یافت، با هدف تصرف اراضی بود. او که از اهالی استان فارس است،

کیفیت در سازمان ما فراموش شده است و بازنگری در فرایندها نداریم. خدابخشی همچنین از انتخاب استانداران به‌عنوان رئیس کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی هم انتقاد کرد و گفت: اگر رئیس شورای حفاظت منابع آب استان‌ها کاری انجام می‌داد، امروز این وضع را نداشتیم. اینکه استانداران را برای رئیس کارگروه سازگاری با کم‌آبی انتخاب کنیم، نوعی بی‌سلیقهی است و قطعاً ناموفق خواهد بود، زیرا استانداران وظایف متعددی دارند. او ادامه داد: یکی دیگر از بی‌سلیقهی‌ها، عدم نهادینه‌شدن تفکر توسعه پایدار است. ما متناسب با اهداف خود مدیر انتخاب نمی‌کنیم؛ مدیر سیاسی انتخاب می‌کنیم. درواقع قانون کم نداریم، اما عمل‌گرا نیستیم.

وزیر تنها

حسین دهقانی‌سانج، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی، هم عنوان کرد: نظر شخصی من این است که اردکانیان مسیری را می‌رود که بدنه وزارت نیرو با او همراه نیست. او افزود: درخواست من این است که مدیران اجرایی را جمع کنند و از آنها پرسند که چرا مصوبات را اجرایی نمی‌کنند. شاید افراد بلد نیستند که مصوبات را اجرایی کنند. عباسی، دیگر عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی، هم در واکنش به سخنان وزیر نیرو در زمینه نیاز به اصلاح قیمت آب، به‌ویژه در بخش کشاورزی عنوان کرد: تا زمانی که مدیریت آب به صورت سلف‌سرویی است و هرکس هر میزان دلش می‌خواهد از منابع برداشت می‌کند، افزایش تعرفه آب راه به جایی نمی‌برد. او افزایش قیمت بنزین را هم شاهد مثال آورد و گفت: افزایش قیمت بنزین منجر به کاهش مصرف شد. به گفته عباسی، هنوز بحث تحویل حجمی آب اجرایی نشده است و از ۷۰۰ هزار چاه موجود، فقط ۵۰ هزار‌تا کنتور دارند که خیلی از آنها هم دچار مشکل هستند. با بهره‌برداران تسامح می‌کنیم. تا زمانی که قوانین درست اجرا نشوند، هر قانون دیگری بنویسیم، ابتر می‌ماند.

نیازمند تغییر ذهنیت هستیم

محمد فاضلی، مشاور وزیر نیرو در امور برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه پایدار، بر لزوم تغییر ذهنیت‌ها تأکید کرد. به گفته او، برخی ذهنیت‌ها شامل اولویت‌ناشدن محیط زیست، نامحدودبودن منابع، امکان تأمین منابع بیشتر، توسعه توسعه اقتصادی بر محیط زیست، باورنداشتن به اولویت الگوی مصرف و اولویت‌داشتن سخت‌افزار به نرم‌افزار باید تغییر کند. مشاور وزیر نیرو تأکید کرد: تغییر سیاست‌گذاری بین دولت و مردم باید تغییر کند و معطوف به تغییر سیاست‌گذاری مبتنی‌بر شواهد باشد. سیاست‌گذاری نباید از اتاق بسته بوروکراسی بیرون بیاید. تا اتاق بوروکراسی شکسته نشود، مسائل حل نمی‌شوند. سیاست‌گذاری باید ضرورت توسعه پایه آب‌محور به کم‌آب‌ر را بپذیرد. باید از دست عলাئق محلی رها شویم، همچنین تغییر قواعد نهادی هم باید صورت بگیرد. به اعتقاد او، برای تغییر عوامل نهادی باید سیاست‌گذار ارزش ذاتی آب را به رسمیت بشناسد. تعارضات ساختاری مأموریت‌های سازمانی آشکار شود. ما نمی‌توانیم سازمانی داشته باشیم و باکویم آب را صیانت کند، اما از محل فروش منابع آبی کسب درآمد کند. آب منطقه‌ای‌ها درگیر این تناقضات هستند. او ادامه داد: به مباحث آب، اقتصاد و اقتصاد اجتماعی را راه ندادیم؛ یکی از دردهای بزرگ این است که اگر بگوییم هشت هزار میلیارد تومان ران ساخت سد می‌خواهیم، پول را اختیار ما قرار می‌گیرد، اما هزار میلیارد برای اصلاح داده‌های پایه منابع آب اعتبار نمی‌دهند. او بر برنامه‌ریزی بر اساس ظرفیت اکولوژیک تأکید کرد و افزود: تا فرایند آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی انجام نشود، اتفاق خاصی نمی‌افتد. مردم باید وارد صحنه شوند. قانون وقتی ضمانات اجرایی می‌یابد که پشتوانه اجتماعی داشته باشد. قانون فیلترینگ لگزام داریم، اما مردم مطالبه معکوس دارند و فیلترینگ را بعد از روشن‌کردن فیلترشکن حس نمی‌کنیم.

ابهام در برنامه‌های سازگاری با خشک‌سالی

ابراهیم حاجیانی، معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی مرکز بررسی‌های استراتژیک، نیز از ابهامات در سیاست‌گذاری برای برنامه‌های سازگاری با خشک‌سالی سخن گفت. او افزود: ما درباره انتخاب روش‌های آبیاری مزعه حرفی برای گفتن نداریم و در موضوع انتخاب کشت سازگار با شرایط هم دچار اشکال هستیم. حاجیانی گفت: دچار چند ابهام اساسی در چارچوب راهبردی برای سازگارکردن کشاورزان با خشک‌سالی هستیم. به گفته حاجیانی، مرکز بررسی‌های استراتژیک، دو نظریه کاملاً متفاوت در زمینه سازگاری ایرانیان با مسائل مختلف وجود دارد. یک نظریه جدی می‌گوید که ایرانی‌ها اصلاً امکان سازگاری ندارند و اگر با شرایط سازگار شده‌اند از سر اجبار بوده است. درواقع این نظریه می‌گوید که ما با شهروندان و جامعه آزمون‌د، حریص و اهل مصرف بالا و بدون توجه به منابع روبه‌رو هستیم که به‌شدت مشارکت‌گیرند. یک نظریه دیگر هم وجود دارد که می‌گوید خشت‌خشت جامعه ایران مشارکی است. او ادامه داد: در مورد این دو جریان بالاکلیف هستیم، ما با یک حوزه خیلی مبهم و پیچیده در حوزه سازگاری مواجه هستیم. به این سادگی نیست که ما اراده کنیم و برنامه‌های سازگاری اتفاق بیفتد. نیاز به تدبیر و انواع آموزش‌ها دارد. حاجیانی گفت: مشکلی که در این رابطه داریم آن است که نظام تدبیر ما ساکت است. البته تعاملاتی وجود دارد که باید ردپای آنها در کمیته ملی سازگاری با خشک‌سالی دیده شود. او بر تدوین گزارش برای بررسی اثر برنامه‌های سازگاری بر آب و خاک کشور تأکید کرد و افزود: هر پنج سال یک‌بار می‌توان این برنامه را تهیه کرد.

خبر

ارتش برند برای مقابله با تحریم



● تحریم‌های اقتصادی وضعیتی را ایجاد می‌کند که مصداق بحران است. برای عبور سلامت از این گذرگاه، نیاز است بازیابی اساسی در استراتژی‌های کسب‌وکارها صورت گیرد. هر چند این شرایط برای تولید داخلی خطرناک است؛ اما درعین‌حال می‌تواند تبدیل به فرصت شود. با تقویت بازوهای تولید از طریق برندسازی می‌توانیم در همین شرایط از مرحله خطرناک‌ریخی عبور کرده و از بازارهای جهانی هم سهم‌گیری کنیم. پاشاپور نیکو، کارشناس تحقیقات بازار، در نشست بررسی بحران کنونی اقتصاد درباره شرایط کنونی کشور گفت: وضعیت فعلی کشور را فقط می‌توان بحران نامید. در وضعیت بحران کنونی کسب‌وکارها چند دسته می‌شوند. برخی از کسب‌وکارها به تنگناهای موجود از بین می‌روند، برخی فقط به حفظ بقا می‌اندیشند و برخی از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. او که دارنده نشان عالی رهبران کارآفرین و مدیرعامل گروه دی‌ان‌ای یونیون است، عنوان کرد: در سال‌های قبل و در تنگناهای به‌وجودآمده ملاحظه کردیم برندهایی مانند شهباز از بین رفتند. برخی نیز در هم ادغام شده و با عنوان برند قوی‌تری با نامی جدید به حیات خود ادامه دادند. پاشاپور با اشاره به اینکه در این شرایط باید هوشیار بود، توضیح داد: یکی از مواردی که می‌تواند به کسب‌وکارها کمک باشد، ایجاد برند است. او ادامه داد: شرکت‌های خارجی از چشمه‌های دماوند ایران بطری آب پر می‌کنند و به خود ما می‌فروشند؛ اما مالیات آن را به دولت خودشان می‌دهند. درحالی‌که ما نه‌فقط حمایت مناسبی از صادرکنندگان‌مان نداریم؛ بلکه گاه آنها را نیز محدود می‌کنیم.

پاشاپور بیان کرد: امروز هر یک کالای خارجی، یک سرباز خارجی محسوب می‌شود. ما در منزل خود چند سرباز خارجی داریم؟ حال این را با وضعیت‌یمان در خارج از کشور مقایسه کنید. ما چند سرباز به کشورهای دیگر فرستاده‌ایم. وضعیت پسته، فرش و زعفران‌مان به‌عنوان سربازان کشور در دیگر کشورها چگونه است. آبا زعفران ما را به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده، با نام خودمان می‌شناسد؟ گرهارد بارکوس، پژوهشگر بازاربایی، نیز در این جلسه در پاسخ به این پرسش خبرنگار ما که چرا در تحریم‌های دور قبل برخلاف انتظار تولیدات داخل نتوانستند سهم‌شان را از بازار افزایش دهند و تولیدات بی کیفیت چینی موفق به حضور بزرگ شوند، اظهار کرد: نباید منتظر بنامیم که رقبا از میدان خارج شوند تا سهم ما از بازار افزایش یابد. این نگرش صحیحی نیست. ما باید کسب‌وکارها را آن‌قدر قوی کنیم که در رقابت با دیگران بتوانند حرفی برای گفتن داشته باشند. با ذکر مثال توضیح داد: فرض کنید در روی تشک مبارزه، اگر حریف قدرتمندی نداشته باشید، شما هم ضعیف خواهید شد. مبارزه وقتی دیدنی می‌شود که با حریف بقدرت مقابله کنید.

سهم نهادهای عمومی غیردولتی از منابع صندوق توسعه ملی به پایان رسید

● یک مقام مسئول با اشاره به سهم ۸۰درصدی بخش خصوصی از صندوق توسعه ملی، گفت: نهادهای عمومی غیردولتی از سهم صندوق در صندوق استفاده کرده‌اند. به گزارش مهر، علیرضا صالح، قائم‌مقام رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی، در نشست تخصصی ساماندهی و تأمین مالی طرح‌های تسلسل دارایی‌های سرمایه‌ای که در محل سازمان برنامه و بودجه برگزار شد، اظهار کرد: ۸۰ درصد ظرفیت صندوق توسعه ملی برای بخش خصوصی و تا سقف ۲۰ درصد برای نهادهای عمومی غیردولتی است که خود استفاده کرده‌اند و دیگر نمی‌توانند از منابع این صندوق استفاده کنند؛ مگر اینکه به بخش خصوصی واگذار شوند. قائم‌مقام رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی افزود: صندوق توسعه ملی می‌تواند در تأمین ارزی طرح‌ها (سهم در تأمین ارز مورد نیاز) ورود کند؛ اما برای اتمام و موفقیت طرح‌ها باید بخش ریالی نیز تأمین شود. صالح ادامه داد: صندوق در تأمین مالی طرح‌هایی وارد می‌شود که بانک‌پذیر باشد؛ یعنی بانک تضمین کند که سرمایه‌ها برمی‌گردد. او تأکید کرد: مهم‌ترین بحث در واگذاری‌ها این است که باید تعهدات و حدود دخالت بخش خصوصی و دولتی مشخص باشد.